

**Seyed-Gohrab, A. A. *The Great Umar Khayyam: A Global Reception of the Rubáiyát*. Leiden: Leiden University Press, 2012.**

سیدغراب، علی اصغر. *عمر خیام بزرگ: پذیرش جهانی رباعیات*. لیدن: انتشارات دانشگاه لیدن، ۲۰۱۲.

بررسی پذیرش ادبی نقش مهمی در پژوهش‌های ادبیات تطبیقی دارد. بی‌گمان پذیرش یک نویسنده در فرهنگ دیگر، همواره با فراز و نشیب‌هایی توأم است. برای انجام این کار، تطبیقگر می‌بایست ابتدا فهرستی از ترجمه‌های آثار نویسنده مفروض را به ترتیب تاریخ نشر تهیه کند، سپس تمامی مقالات و نقدهایی را که بر آنها نوشته شده گردآوری، و به دقت تحلیل کند.

افزون بر این، برای روشن‌داشت پذیرش ادبی یک نویسنده در فرهنگ دیگر باید ذائقه ادبی، بافتار فرهنگی و اجتماعی، و زیست‌جهان او را طی سال‌های مد نظر بررسی کرد. تطبیقگر، باید به گونه‌ای روشمند بسیاری از عوامل اجتماعی — مانند طیف مختلف خوانندگان آثار نویسنده مفروض را در ادوار مختلف — سیاسی و تاریخی را مد نظر قرار دهد. به علاوه، او باید به نقش رسانه‌های جمعی — روزنامه، سینما، رادیو و... — تبلیغات و حتی نام و شهرت ناشران — در اشاعه آوازه نویسنده نیز توجه کند.

افراد ناآشنا با مبانی نظری و پژوهشی ادبیات تطبیقی، مطالعاتی از این دست را به فهرستی از نام‌ها و عناوین، اعداد و ارقام، تاریخ چاپ و انتشار، و نام مترجمان و ناشران فرو می‌کاهند. حال آنکه لازمه چنین پژوهش‌هایی، باریک‌بینی، پرمایگی، روشمندی و تحلیل عالمانه شرایطی است که محمل پذیرش ادبی بوده است. از این رو چنان‌که آمد، تطبیقگران ابتدا باید با شکیبایی و پشتکار، اطلاعات لازم را گردآوری و سپس به دقت، پردازش و تفسیر نمایند.

بی‌گمان عمر خیام، پرآوازه‌ترین شاعر ایرانی در آن سوی مرزهاست. این آوازه، از سویی، مرهون مضامین ابدی رباعیات اندک‌شمار اوست که به زبانی سخته، و در قالبی

موجز و آهنگین سروده شده‌اند، و از دیگر سو به دلیل ترجمه استادانه و افسونکارانه ادوارد فیتزجرالد<sup>۱</sup> (۱۸۰۹-۱۸۸۳)، شاعر - مترجم انگلیسی، است. این حقیقت که شعر خیّام از رهگذر ترجمه منظوم فیتزجرالد، اندک‌اندک، جهان غرب را درنوردید، بر هیچ‌کس پوشیده نیست. شاید یکی از علل شهرت جهانی‌گیر و حُسن قبول شعر خیّام این است که شعر او ترجمان سرگشتگی‌ها و درماندگی‌های انسان غربی بود. گویی خیّام از زبان او سخن می‌راند.

کتاب ارزشمند عمر خیّام بزرگ: پذیرش جهانی رباعیات<sup>۲</sup> که زیر نظر دکتر علی اصغر سیّد غراب، استاد برجسته ادبیات فارسی دانشگاه لیدن هلند، گردآوری شده حاوی مقالاتی پُر بار درباره پذیرش رباعیات خیّام در کشورهای مختلف جهان است. «سال ۲۰۰۹ مصادف بود با دویستمین زادروز ادوارد فیتزجرالد و یکصد و پنجاهمین سالگرد نخستین چاپ ترجمه او از رباعیات عمر خیّام. همایش‌ها، کارگاه‌ها و نمایشگاه‌های بسیاری برای بزرگداشت این مراسم ترتیب داده شد. دانشگاه لیدن<sup>۳</sup> درباره میراث شعری خیّام، پذیرش و اقبال به شعر او در فرهنگ‌های مختلف سراسر جهان همایش بین‌المللی دو روزه‌ای (۶ و ۷ جولای) برگزار کرد. این مجموعه شامل گلچینی از مقالات ارائه‌شده در این همایش و چند مقاله دیگر است که من از محققان درخواست کردم تا در این باب بنویسند. این اولین بار است که تاریخچه پذیرش و اقبال به رباعیات عمر خیّام در سنت‌های ادبی مختلف در یک مجلد به انگلیسی گردآوری می‌شود. در نگارش مقالات آن محققان برجسته‌ای که در زمینه خیّام یا ادبیات پارسی تخصص دارند همکاری کرده‌اند. فصل‌های مختلف کتاب، پذیرش خیّام را افزون بر کشورهای فارسی، عربی و ترک‌زبان در هند، هلند، انگلستان، روسیه و گرجستان نیز بررسی می‌کند» (۳۰-۳۱).

به گفته سیّد غراب «کتاب حاضر، نخستین پژوهش عالمانه تاریخ پذیرش رباعیات در سنت‌های ادبی مختلف، و مکمل پژوهش‌های پیشین است» (۱۵). کتاب، دارای یک مقدمه مفصل - «جذبه جهانی خیّام: انسان، باده، و رستاخیز» - به قلم سیّد غراب و

<sup>1</sup> Edward FitzGerald

<sup>2</sup> The Great Umar Khayyam: A Global Reception of the Rubáiyát

<sup>3</sup> Leiden University

هفت فصل است که هر فصل شامل چند مقاله مستقل است که عناوین فصل‌های آن به ترتیب عبارت‌اند از: خیام در ایران، خیام در جهان عرب و ترکیه، خیام در هلند، خیام در روسیه و گرجستان، خیام در انگلستان دوره ویکتوریا، خیام در هندوستان، و پایگاه جهانی خیام.

پذیرش خیام در ایران در سه مقاله بررسی شده است. مهدی امین رضوی در «خوانش رباعیات به منزله شعر اعتراض» بر اساس منابع و بافتار عصر خیام، رباعیات را در چارچوب تاریخ تفکر اسلامی بررسی می‌کند و می‌پرسد چرا خیام و چند فیلسوف دیگر مانند فارابی، ابن سینا، رازی، و بیرونی به بدعت متهم شدند. امین رضوی شعر خیام را از مقوله شعر اعتراض روشنفکران تلقی و تصریح می‌کند که روشنفکران ایرانی «با استفاده از جوازاات شاعری، سنت اسلامی را به باد انتقاد گرفتند». به گمان او، خیام با به پرسش گرفتن قطعیت معرفت‌شناختی عالمان دین، عبث بودن چنین مباحثی را اعلام کرد:

رندی دیدم نشسته بر خنجر زمین      نه کفر و نه اسلام و نه دنیا و نه دین  
نه حق، نه حقیقت، نه شریعت، نه یقین      اندر دو جهان که را بود زهره چنین

پذیرش خیام در زمانه او در دو فصل به بحث نهاده شده است. جستار نخست — «برخی از رباعیات خیامی از روزگار عمر خیام» — به قلم الکساندر مرتن<sup>۱</sup> است، که از یک جُنک ادبی فراموش شده اثر ابوالقاسم نصر بن احمد بن عمر الشادان نیشابوری و متعلق به دوران سلطنت مسعود غزنوی سوم (۴۹۲-۵۰۸) رونمایی می‌کند. گرچه مرتن در این مقاله بر جنبه‌های ادبی رباعیات انگشت نهاده، اما فصل دوم اثر محمد باقری — با عنوان «بین میخانه و مدرسه: عمر خیام دانشمند» — درباره خیام دانشمند و نشانگر هنر او در تلفیق قابلیت‌های علمی با نبوغ ادبی است. جستار باقری شامل طبقه‌بندی خیام از معادلات سه مجهولی، شرح او بر کتاب کلیات اقلیدس، و دستاوردهای علمی حکیم نیشابور است.

یان یوست ویتکام<sup>۲</sup> و محمد السلمی، پذیرش خیام در جهان عرب را بررسی کرده‌اند. موضوع این دو فصل، بررسی ترجمه‌های مختلف خیام به عربی است. ویتکام در این

<sup>۱</sup> Alexander H. Morton

<sup>۲</sup> Jan Just Witkam

فصل — «رباعیات عمر خیّام با آواز امّ کلثوم» — ترجمه‌های شاعر مصری احمد رامی (۱۸۹۲-۱۹۸۱) از رباعیات خیّام و روشی که خوانندگان مشهور امّ کلثوم (۱۹۰۴-۱۹۷۵) و محمّد عبدالوهاب (۱۹۰۷-۱۹۹۱) آنها را به آواز خوانده‌اند بررسی می‌کند. ویتکام و السلمی نشان می‌دهند که شهرت عظیم خیّام مرهون خوانندگان محبوب عرب، مانند امّ کلثوم است. خیّام در ترکیه هم مشهور است. سیتسکه سوتهمان<sup>۱</sup> در مقاله‌اش «رباعیات عمر خیّام به ترکی و رباعیات ترکی» از پرهیز شاعران عثمانی در سُرّایش رباعی و ترجیح قالب‌های دیگر در اوج تأثیرپذیری‌شان از شعر فارسی سخن می‌گوید. در این میان یحیی کمال بیاتلی (۱۸۸۴-۱۹۸۵) یک استثناء بود، او کوشید تا بر تمامی قالب‌ها و انواع شعر عثمانی تسلط پیدا کند. بیاتلی با ترجمه خیّام در اثنای فعالیت‌های ادبی‌اش شعر او را به مردم ترکیه معرفی کرد.

پنج فصل بعدی به جنبه‌های مختلف پذیرش خیّام در هلند اختصاص یافته است. مقاله هانس دو بروین<sup>۲</sup> با عنوان «دیگر رباعیات فارسی در هلند: گلزار دانش حسین آزاد» در باب رواج رباعیات فارسی در شعر هلند از قرن نوزدهم به بعد بود. وی پس از معرفی دو شاعر بزرگ هلندی پ. س. بوتنز<sup>۳</sup> (۱۸۷۰-۱۹۴۳) و ی. ه. لئوپلد<sup>۴</sup> (۱۸۶۵-۱۹۲۵) بر منبع مشترک آن دو تمرکز می‌کند، جنگی از رباعیات فارسی در دو بخش که در سال ۱۹۰۶ به ترتیب با عناوین *گلزار معرفت* و *گلزار دانش* منتشر شد. مؤلف این جنگ‌های فارسی و فرانسوی، یک ایرانی به نام حسین آزاد بود، او که پزشکِ دربار قاجار در اصفهان بود، به لندن و پاریس سفر کرد، اما بعدها در پاریس سکنی گزید و در آنجا به بررسی شعر اروپایی و فارسی همّت گماشت. دو بروین در این فصل، تصویر روشنی از زندگی حسین آزاد و تلاش او برای معرفی گنجینه‌هایی از سنت ادبی پارس به جامعه غرب به دست می‌دهد.

«تأثیر خیّام بر ادبیات مدرن هلند» عنوان فصلی است که مارکو خود<sup>۵</sup>، در آن پذیرش خیّام در ادبیات مدرن هلند را به نیکی مرور کرده است. نوشته مارکو خود، شامل

<sup>1</sup> S. Sötemann

<sup>2</sup> Hans de Bruijn

<sup>3</sup> Pieter Cornelis Boutens

<sup>4</sup> Johan Hendrik Leopold

<sup>5</sup> Marco Goud

مترجمان هلندی نظیر کریس فان بالن<sup>۱</sup> (۱۹۱۰)، ی. ه. لئوپلد (۱۹۱۱)، ویلم دو مروود<sup>۲</sup> (۱۹۳۱) و چندین شاعر مشهور دیگر است. تأکید اصلی خود بر پ. س. بوتنز (۱۹۱۳) است که در سراسر زندگی اش مسحور رباعیات خیام بود. دیک فان هالسم<sup>۳</sup> در جستاراش «حقیقت تلخ: تأثیرپذیری ی. ه. لئوپلد از عمر خیام» بازمی‌نماید که چگونه ی. ه. لئوپلد شاعر (۱۸۶۵-۱۹۲۵) بین سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۶ با تمرکز بر فلسفه در اندیشه حل مشکل تنهایی انسان بود. او آثار استوا، اپیکور، اسپینوزا، دکارت، هیوم و کانت را به دقت مطالعه کرد و در سال ۱۹۰۴، عمر خیام را یافت.

خیام همچنین الهام‌بخش هنرمندان و موسیقی‌دان‌های هلندی بود. یوس بیخستراتن<sup>۴</sup> در فصل «چگونه عمر خیام بر هنرمندان تجسمی هلندی تأثیر گذاشت؟» اثر چهار هنرمند هلندی: ویلم آروندیوز<sup>۵</sup> (۱۸۹۴-۱۹۴۳)، خیر خیریتس<sup>۶</sup> (۱۸۹۳-۱۹۶۵)، سیپ فان دن برخ<sup>۷</sup> (۱۹۲۰-۱۹۹۸)، و تئو فرر<sup>۸</sup> (۱۹۲۳-۲۰۰۴) را که از رباعیات خیام ملهم بودند بررسی می‌کند. در مقاله بعدی — «میراث عمر خیام در موسیقی هلند» — روکوس دوگروت<sup>۹</sup> تصنیف‌هایی چند، اثر تصنیف‌سازان هلندی را برمی‌رسد. افزون بر بررسی این جنبه از پذیرش موسیقایی خیام، او از واکنش تصنیف‌سازان هلندی به رباعیات عمر خیام فیتزجرالد نیز سخن می‌راند. این واکنش‌ها به رباعیات مختلف بود: در برخی از تصنیف‌ها بعد روحانی رباعیات و در برخی دیگر مفهوم شادخواری برجسته شد.

پذیرش خیام در روسیه در مقاله مشترکی اثر فیروزه عبدالله‌اوه<sup>۱۰</sup>، ناتالیا چالیسوا<sup>۱۱</sup> و چارلز ملویل<sup>۱۲</sup> — «پذیرش خیام در روسیه: از متن تا تصویر» — بررسی شده است. در این فصل، نویسندگان به بررسی شهرت گسترده خیام در روسیه، حتی پیش از انتشار ترجمه فیتزجرالد، می‌پردازند. ترجمه انگلیسی، تنها به شهرت خیام افزود. نویسندگان

<sup>1</sup> Chris van Balen

<sup>2</sup> Willem de Mérode

<sup>3</sup> Dick van Halsema

<sup>4</sup> Jos Biegstraaten

<sup>5</sup> Willem Arondéus

<sup>6</sup> Ger Gerrits

<sup>7</sup> Siep van den Berg

<sup>8</sup> Theo Forrer

<sup>9</sup> Rokus de Groot

<sup>10</sup> Furuza Abdullaeva

<sup>11</sup> Natalia Chalisova

<sup>12</sup> Charles Melville

همچنین شهرت امروزی خیّام و در دسترس بودن چاپ‌های مختلف رباعیات او، از کتابفروشی‌های بزرگ گرفته تا غرفه‌های کوچک، را کاویده و با مطالعه ترجمه‌های مختلف در هر نسل به بررسی نقش آنها در محبوبیت خیّام پرداخته‌اند. مقاله با توجه نویسندگان به جعل ادبی و شیوه دست یافتن آن به ارزش و اهمیت در سطح ملی پایان می‌یابد. د. سریبریاکف<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۰ با گفتن اینکه زادگاه خیّام تاتاریا بود، «مدعی عمر خیّامی ملی شد».

تنا شورغایا<sup>۲</sup> در مقاله‌اش — «ترجمه شعر عمر خیّام به گرجی — معیاری برای مترجمان» — به بررسی تاریخ ترجمه رباعیات به گرجی می‌پردازد. ژوستین آبولادزه<sup>۳</sup>، مورخ ادبیات فارسی، اولین ترجمه ادبی شعر خیّام را در سال ۱۹۲۴ منتشر کرد، به دنبال آن یک مجموعه ترجمه تا قرن بیست و یک شکل گرفت.

اسماعیل زارع بهتاش در فصل «پذیرش رباعیات عمر خیّام فیتزجرالد در انگلستان عصر ویکتوریا» تصویری کلی از پذیرش خیّام در انگلستان دوره ویکتوریا عرضه می‌کند و به ذکر دلایلی می‌پردازد که موجب شد تا رباعیات به الگوی شعری عصر ویکتوریا تبدیل شود. شعری که نمایش گونه، عرفان‌گرا، اپیکوری (دم‌غنیمت‌انگار)، غمناک، خداناباور و دل‌نگران آینده و امور ناآشنا بود.

دو مقاله به تاریخ پذیرش رباعیات در هند اختصاص یافته است. «بومی کردن رباعیات: سیاست میخانه در بافتار ملی‌گرایی هندی» عنوان مقاله‌ای از آنه کاستاینگ<sup>۴</sup> است که در آن به تأثیر خیّام بر شاعر جوان هندو، هاریوانش رائی باچان<sup>۵</sup> (۱۹۰۷-۲۰۰۳)، اشاره می‌کند. باچان، رباعیات خیّام را با نام میخانه عمر خیّام به هندو ترجمه کرد. او مجموعه رباعیات خود را با عنوان میخانه (۱۹۳۵) و درباره همان بُن‌مایه‌ها و نمادها سرود که به مثابه «تمثیلی از آفرینش شعری، وطن، جهان، عشق، و جُز آن به همراه باده و مستی که نهاد دوگانگی حیات‌اند، هم شیرین و هم تلخ» تفسیر می‌شود. باچان با بهره‌گیری از این مضامین، موضوع سنت در برابر آزاداندیشی، سلسله‌مراتب

<sup>1</sup> D. Serebryakov

<sup>2</sup> Tea Shurgaia

<sup>3</sup> Justine Abuladze

<sup>4</sup> Anne Castaing

<sup>5</sup> Harivansh Rai Bacchan

هستی و جایگاه انسان در جهان را دیگر بار مطرح می‌کند. مقاله بعدی نیز به پرسش‌های فلسفی درباره جایگاه آدمی می‌پردازد. رانگارایان<sup>۱</sup> در مقاله «قرار دادن رباعیات در تفکر فلسفی هند» از رهگذر مقایسه توصیف حیات آدمی در کنار نظم ماوراءالطبیعی هندویسم از رباعیات خیام خوانشی متافیزیکی به دست می‌دهد. افزون بر این، او به سراغ دیگر ادیان مثل بودیسم، یائینسیم و آدیویکیسم نیز می‌رود و همخوانی فلسفه خیام را با آموزه‌های بنیادی این ادیان بر آفتاب می‌افکند.

آخرین در رتبت اما نه کمترین در اهمیت، یوس کومانس<sup>۲</sup> در مقاله‌اش – «پایگاه اطلاعاتی عمر خیام» – پس از بررسی شهرت جهانی خیام، روشی را برای تأسیس پایگاه اطلاعاتی پیش می‌نهد تا به کمک آن تمامی یافته‌های مربوط به رباعیات، منابع فارسی، و ادبیات ثانوی فراهم شود و محققان به بررسی آنها اهتمام ورزند.

مقالات این دفتر گرانسنگ جملگی نکته‌آموزند و خواننده در نتیجه مطالعه آن به انبوهی از اطلاعات مفید درباره شعر خیام در دیگر کشورها دست می‌یازد. مقالات کتاب هرچند مستقل‌اند، اما رشته‌ای نامرئی، اندیشه خیامی، آنها را به هم پیوند می‌دهد. افزون بر اینها، کتاب در حکم رمانی جذاب و گیراست که خواننده را همراه شعر خیام، تفریح‌کنان، به سفری شورانگیز در چهار گوشه جهان می‌برد و طرفه آنکه شخصیت اصلی آن کسی نیست جز «پیر سپیدموی دیرینه‌روز نشابور». این اثر برای خوانندگان عام، دوستاران ادب فارسی، ادبیات تطبیقی و ادبیات جهان سودمند است. و سرانجام اینکه جای مقالاتی نظیر خیام در امریکا، فرانسه، آلمان، ایتالیا و چند کشور دیگر در کتاب خالی است؛ کاش سید غراب عزیز برای آن هم چاره‌ای بیندیشند.<sup>۳</sup>

مصطفی حسینی

استادیار دانشگاه بوعلی سینا - همدان

<sup>1</sup> A. Rangarajan

<sup>2</sup> Jos Coumans

<sup>3</sup> کتاب مذکور توسط راقم این سطور به فارسی ترجمه شده (و اکنون در دست ویراستاری است) امید است که به زودی توسط ناشری ارجمند منتشر شود.



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی  
پرتال جامع علوم انسانی